

## تاریخچه جنبش زنان در افغانستان

در قسمت اول در جنبش های جهانی اشاره شده است که در نیمه دوم قرن هژده و با آغاز قرن نوزده هم، پیشرفت های تخنیکی با اکتشافات و اختراعات جدید در عرصه های مختلف در جهان بوقوع پیوست و در نتیجه آن سطح زندگی و دانش بشری ارتقا نموده و ارزش های جدید در فرهنگ و مناسبات اجتماعی ، طرز دید و ارتقای سطح حیات نیز بوجود آمدند. که این همه تحولات و تغییرات منجر به تغییرات در سطح زندگی بشر گردیده و باعث بروز اختلافات میان پدیده های نو و کهنه ، فقر و غنا ، آزادی و استبداد در داخل کشور ها و هم چنان در سطح جهانی گردید، هر کشور این تفاوت ها را نظر به سطح زندگی مردم خود در آزمون زمانه قرار داده و فراز و فرود های مدهشی را پیمودند و در نهایت به اهداف و استراتژی های خود نایل آمدند. در کشور ما افغانستان نیز این ارزش هاگاهی به یک مدت کوتاه به جلو و زمان زیادی به عقب برگشته است و هم اکنون که بیش از یک و نیم قرن از آن می گذرد باز هم ما در چرخش های عقب گرایی خود قرار داریم و تفاوت های زیادی میان کشور ما و جوامع مدرن امروزی وجود دارد. یکی از این تفاوت ها فرهنگ مرد سالاری است و چنان در روح و روان جامعه ما قویاً جا گرفته ، که مانند دیوار مستحکم مانع نفوذ ترقی، پیشرفت و تکامل شده و حتا احقاق حقوق زنان را که یک امر انسانی و مستلزم عصر جدید است شدیداً در تحت شعاع خود قرار داده و زنان را در چهار دیوار خانه ها زندانی ساخته. اما با آن هم عده ای از شیر زنان ما در گذشت تاریخ و هم چنان در وضعیت های استثنائی، در ها و دروازه ها را شکستاده و صدای خود را بلند نموده و در امور رزمی مردان را تشویق ، در جنگ علیه تجاوز و استبداد بیگانگان سهم گرفتند و نقش خود را بدرستی انجام داده و نام خود را ثبت تاریخ کشور نموده و جاودانه ساختند. این آزاده گان خود جوش چون ملالی ، اینو ، غازی ادی ، زهرا و دیگران .... بودند.

غبار به یکی از این صحنه ها در ارتباط با جنگ دوم افغان و انگلیس به نقش مهم این سر سپرده گان افغان اشاره کرده می نویسد: " در جنگ های جبال کابل بود که مردم بیرق های رنگارنگ برافراشتند و زنان کابل وظیفه آب و نان رسانی مبارزین ملی را در قله کوه ها بدوش گرفتند. دسته

جات این شیر زنان با کوزه های آب و بسته های نان مثل آهوان در سنگلاخ های جبال میدویدند و جنگ آوران دلیر را تغذیه می نمودند."

غبار ادامه میدهد که: " چهار صد نفر از زنان کابل درین وظیفه سهم گرفتند و هشتادوسه نفر آنان در جنگ کوه آسمائی شهید شدند." « صفحه ۶۲۹ »

انگلیس ها از تحریک و تشجیع زنان افغان در شدت جنگ، افزون برآن فراهم آوری مواد غذائی در سنگر های جنگ و مقاومت، شدیداً به هراس افتادند و کوشیدند زنان را در حصار خانه ها نگه داشته و آنها را از ساحه جنگ به هروسیله که امکان پذیر است به دور نگه دارند. انگلیس ها با اهدای پول و پست های حساس به متنفذین قومی، روحانیون مذهبی و اشخاص جا طلب که همواره نیات شوم خود را بالای این مردمان قبولانده و اهداف خود را تطبیق نموده اند.

درین مقطع زمانی انگلیس بار دیگر دست به پلان جدید زد و از ترویج چادری در میان زنان کار گرفت و نیروی فعال جنگ را نیم پیکر جامعه را تشکیل می دادند، بواسطه شوهران شان خانه نشین و دور از اجتماع ساخت که تا امروز این نیمه بدنه جامعه در عزلت قرار گرفته و از امور اجتماعی به دور نگه داشته شده اند. یکی از علل عقب مانی جامعه ما نیز در همین موضوع نهفته است.

ولی در حالات استثنائی زنان شجاع کشور آرام ننشسته و وظایف خود را در قبال مادر وطن بدرستی انجام داده اند. یکی ازین فداکاری های زنان در سال های اخیر، مقاومت زنان غیور افغان در برابر طالبان این دشمن نهضت زن در شمال کشور است. زمانیکه طالبان وارد شهر مزار شریف گردیدند. زنان شهر مزار شریف با انداختن آب جوش، سنگ ها و کثافات از بالای بام ها، صفوف آنها را در هم شکستند. نظر به همین دلیل بود که طالبان بار ها در شهر مزار شریف به شکست فاحشی مواجه شدند. زیرا اهالی مزار خود را به زودی به این دشمنان خود فروخته پاکستانی و ضد ترقی و پیشرفت تسلیم نموده و زن و مرد این سر زمین در برابر جهل و تاریکی به مبارزه برخاستند و هزاران نفر جان های شیرین خود را در دفاع از شهر شان از دست دادند.

تاریخ گواه برآنست که ما همیشه نخبه گان مبتکر داشته ایم که با نام شان افتخار می نمائیم. یکی ازین نخبه گان و پیش گامان نهضت زن در جامعه ما ملکه ثریا است. این بانوی آزادی خواه که آوان کودکی و نو جوانی خود را در خارج کشور سپری نموده بود، با استفاده از دست آورد های کشور زادگاهش، دست به یک سلسله تحولات مثبتی در حیات زنان درکشور آبائی خود زده، که زبان زد مردمان ما و درج تاریخ کشور گردیده است.

وضعیت ناگوار زنان ، زندانی شدن زنان در چادری و محصور ماندن آنها در چهار دیوار خانه ها ، بیسوادی و محرومیت و محرومیت زنان در زیر پاشنه های مرد سالاری برای ملکه ثریا ،رنج آور بود زیرا ملکه ثریا این همه احساس و اندیشه ها را از پدر میهن دوست و ترقی خواه خود محمود طرزی کسب نموده و قطب نمایی راهی خود، جهت بر آورده شدن آرمان های والایش نموده بود.

محمود طرزی در مورد تعلیم و تحصیل زنان چنین می گفت که: فقط زنان تعلیم یافته و منور می توانند که مادران و همسران خوب باشند و هم چنان همین زنان است که فرزندان را که آینده متعلق به آنها است به بار می آورد و در دامان پر عطوفت خود می پروراند. محمود طرزی این مرد روشن ضمیر در سراج الاخبار افغانیه ، مطالب بیدار کننده برای نخستین بار جهت آگاهی زنان با احتیاط کامل در ستون تحت عنوان "ناموران زنان جهان" بدست نشر سپرد و در آن از زنان قهرمان، سهم گیری آنها در امور اجتماعی اقتصادی و حل پروبلم های اجتماعی زنان مطالب سودمندی برای جلب خواننده گانش می گذاشت.

جنبش زنان که در زمان شاه امان اله خان شکل گرفته بود. محور اصلی آنرا پیشرفت و ترقی و نجات زن از محرومیت و رنج های گوناگونیکه دامنگیرش گردیده بود تشکیل میداد. که این تشکل حقوق و آزادی زنان را در تمام عرصه ها بخصوص تعلیم و تربیت، حق تحصیل، حق کار و استراحت، حق آزادی فردی، مصئونیت فردی، آزادی گفتار و بیان ،اجتماعات، فعالیت های سیاسی ومدنی، وسفرهای تحصیلی را به خارج کشورتامین می نمود. " انجمن حمایت نسوان " عصر امانی یک گام دیگر در رشد اجتماعی نسوان بود.این

انجمن به سر پرستی « افتخاری » قمر غازی و اداره رقیه « عنایت سراج » اعتمادی و زینب عنایت سراج « یکی از پیشآ هنگان نهضت زن که خدمات ارزشمند او در خور تقدیر است » و به همکاری یک عده زنان با سواد و با تجربه دوره امانی شروع به فعالیت کرده و بزودی به یک مرکز تجمع زنان جوان و کلان سالان کابل در آمد. پروگام های آن بیشتر شامل سواد آموزی ، دوخت و بافت و هم چنان امور منزل بود.

در سال ۱۳۲۲ خورشیدی، در زمان سلطنت محمدظاهر شاه، اتحادیه ی زنان که در آن بیست زن عضویت داشت، بنابر مقتضیات زمان، نهادی را به نام "مؤسسه عالی نسوان" به منظور تشکل، آموزش و روشنگری زنان افغانستان در محل مرکزی شهر کابل (ساختمان همجوار شرقی هتل سرینای فعلی) پایه گذاری کرد. دو سال بعد از آن (در سال ۱۳۲۴ خورشیدی)، در اثر پیشنهاد و پیگیری بی بی زینب خواهر امان الله خان، برای این مؤسسه، یک قطعه زمین در ساحه شهرنو کابل

(موقعیت فعلی وزارت امور زنان) خریداری شد و در آن یک باب کودکان، مکتب، سینما و دفاتر کار اعمار گشت که سینمای آن را به نام زینب ننداری مسمی کردند و در مکتب مؤسسه عالی نسوان آن وقت که مدیریت آن را خانم رقیه به عهده داشت، زنان متأهل که بنابر دلایل مختلف از تحصیل باز مانده بودند، درس میخواندند

مؤسسه عالی نسوان، در سال ۱۳۴۲ خورشیدی به "میرمنو تولنه" تغییر نام داد و مقرر شد که زیر نظارت وزارت کار و امور اجتماعی اداره شود و ریاست آن را تا سال ۱۳۵۷ به ترتیب، حمیرا نورزایی، کبرا نورزایی، صالحه اعتمادی بر عهده داشتند. فعالیت‌های موسسه نسوان بیشتر به عنوان یک نهاد فنی و حرفه‌ای محدود به شهر کابل و مشغول خدمات مانند تدویر کورس‌های فنی و حرفه‌ای خیاطی، قالی‌بافی، ماشین‌نویسی (تایپستی)، گل‌سازی، آرایش و دیکوریشن، تدبیر منزل، سوزن دوزی، قالین بافی و بافت بود.

در سال ۱۳۳۸ « ۱۹۵۷ » موسسه به حیث یک سازمان مستقل دارای اساسنامه و اهداف مشخص بنام "د میرمنو تولنه" راجستر شد و توجه آن بیشتر به انکشاف مزید نهضت زنان و اشتراک آنها در امور مهمه معطوف گردید تا موقف زن را در جامعه افغانی بطور سالم تقویه نماید.

در سال‌های اول ۱۹۷۰ برای تجلیل از مقام والای مادر توسط موسسه نسوان تجویز بعمل آمد تا بروز ۱۴ جون همه ساله روز مادر برگزار گردد و درین روز از بین مادران واجد بالا ترین شرایط "مادر سال" انتخاب شود. میرمنو تولنه تحت اداره کبرا نورزایی و بعدا صالحه فاروق اعتمادی انکشاف مزید کرد. کبرا نورزایی ریاست د میرمنو تولنه را رشد و انکشاف قابل ملاحظه ئی داد، کورس‌های سواد آموزی، کودکانستانها در مرکز و ولایات کشور و شعبه صنعتی و دست دوزی انکشاف کرد. صالحه به مکتب مسلکی دمیرمن و تولنه توجه خاصی مبذول داشت، در فرستادن دختران غرض تحصیل به خارج کشور صرف مساعی نمود.

در سال ۱۳۴۴ شمسی « مطابق نومبر ۱۹۶۵ میلادی » با الهام از جنبش‌های بین‌المللی زنان و جنبش‌های ملی گذشته، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در تحت رهبری دوکتورس اناهیته راتب زاد به اشتراک ثریا پرلیکا، کبرا علی، حمیده شیرزی، مومنه بصیر و جمیله کشتمند در شهر کابل اساسگذاری شد.

در نتیجه فعالیت‌های کادرها و اعضای این سازمان، برای اولین بار در تاریخ کشور، زنان در مظاهره معروف سه عقرب که توسط گروه‌هایی چپی سازمان دهی شده بود. اشتراک نمودند و

مجرای دموکراسی را در قانون کشور باز نمودند. هم چنان این نخستین بار بود که به همت این شیر زنان عده ئی از زنان جوان و دختران به فعالیت های سیاسی شامل گردیدند و در کنار برادران خود بسوی پارلمان شتافته بودند. تا جریان راه اعتماد داکتر یوسف را از نزدیک مشاهده نمایند ولی تجمع با برخورد پولیس مواجه شد و حادثه را بار آورد. در نتیجه بی نظمی ها، داکتر یوسف از اخذ رای اعتماد منصرف شد و از پست صدر اعظمی خود استعفا داد. از آن روز به بعد مظاهرات، مانند اموری روزمره مردم گردیده و هر روز شهر کابل، شاهدی یکی ازین نوع تظاهرات بود.

دختران نیز ازین فضای باز سیاسی بی نصیب نمانده و مستقلانه شروع به فعالیت های سیاسی نموده و در جلب و جذب زنان و دختران در صفوف سازمان خود کوشیده و آنرا گسترش دادند این حلقه های سازمانی دختران هر یک به نوبه خود فعالیت های چشمگیری داشتند.

در سال ۱۳۴۷ مطابق ۱۹۶۸ میلادی یک عده از اعضای محافظه کار ولسی جرگه تلاش کردند تا قانونی را به تصویب رسانند که تا طبق آن دختران افغان از تحصیل به خارج کشور باز مانند. با شنیدن این خبر و با سازماندهی زنان آگاهی سازمان زنان صد ها دختر علیه این پیشنهاد به مظاهره پرداختند و آن را مغایر قانون اساسی و تساوی حقوق زن و مرد دانستند. و چنان فشار به ولسی جرگه وارد کردند که آنها مجبور شدند از پیشنهاد منصرف گردند. « ماخذ دوپره نانسی: اندیشه های انقلابی و زنان افغان ». بار دیگر در سال ۱۳۴۹ مطابق ۱۹۷۰ میلادی چند جوان افراطی مربوط به جناح " جوانان مسلمان " در برابر پوشیدن لباس کوتاه و شیک پوشی زنان احتجاج نمودند و به پای دختران و زنانیکه لباس کوتاه به تن داشتند، فیر کردند و هم چنان به روی بعضی از آنها تیزاب « اسید » پاشیدند. درین ارتباط در تحت سازماندهی و رهبری سازمان زنان بیش از ۵۰۰۰ زن و دختر در شهر کابل به سرک ها ریختند و با مظاهره بسیار گسترده از حکومت آنوقت خواهان بازرسی و مجازات عاملین اینکار شدند که در نتیجه حکومت یکعده از عاملین را گرفتار و زندانی ساخت.

این مظاهرات در حقیقت بیانگر بیداری طبقه نسوان به ویژه زنان شهری کابل در زمینه احقاق حقوق شان می باشد.

دکتور اناهیتا راتب زاد این زن مبارز که افتخار نمایندگی مردم شریف شهر کابل را در پارا لمان ۱۲ بعهدہ داشت و ازین طریق صدای زنان رنجدیده کشور را بگوش جهانیان و مسئولان امور میرسانید. در تحت رهبری راتب زاد نهضت زن نیز به موفقیت های چشمگیری نایل آمد و شورا هایولایتی زنان در سراسر کشور ایجاد گردید. این سازمان که از سابقه دار ترین سازمان زنان در کشور و منطقه است ، دارای ۱۶۵ هزار عضو که در ۳۱ شورای ولایتی ، ۲۵ شورای شهری ، ۳۸ شورای ناحیوی ، ۲۵ شورای ولسوالی و ۳۱۰۰ سازمان اولیه تنظیم بودند به همین ترتیب به تعداد ۲۹ کلوپ زنان در مرکز و ولایات کشور فعال بوده و این کلوپ ها زمینه آموزش را در عرصه های مختلف از قبیل تاپیستی ، خیاطی،سوزن دوزی ، سواد آموزی ، آرایشگری، برای زنان فراهم ساخته بود از طریق این کلوپ ها عده زیادی زنان حرفه های مورد علاقه خود را فرا گرفته و در امور اجتماعی مصروف کار و ایجادگری گردیدند و هم چنان با مشارکت زنان تحصیل کرده در امور سیاسی ، اجتماعی ،اقتصادی و فرهنگی،زنان به پیشرفت های قابل توجه ئی نایل آمدند. زنان موفق به کسب پست های وزارت ها ، ریاست ها ، نمایندگان مردم در مجالس سنا، شورای ملی، جنرال و ... شدند. و ۶۰ فیصد مامورین دولت ، کارگران و کارفرمایان را زنان تشکیل می داد. در عرصه نظامی نیز زنان خدمات قابل ملاحظه را انجام دادند. نمونه های برجسته آن جنرال سهیلا صدیق و جنرال خاتول محمد زی است « جنرال خاتول محمد زی در سال ۱۳۶۳ در ارتش نظامی آغاز به کار نموده بود.»

جنبش سواد آموزی برای زنان در سر لوحه فعالیت های این سازمان قرار داشت. در اثر سعی و تلاش همه جانبه این سازمان صد ها دختر و زن جوان از نعمت سواد بهره مند گردیدند. ولی با تاسف باید بگویم که ده ها معلمه افتخاری این کورس ها توسط عقب گرایان و کور دلان جاهل به شهادت رسیدند. که بطور نمونه از شمله شهید ، نورجهان شهید، حمیرا شهید ، فاضله شهید ، شفیه جبار خیل شهید، خاتول شهید ... نام برد. " روح شان شاد و خاطره شان جاویدان باد.

"

در اثر سعی و تلاش سازمان زنان در محو و نابودی بیسوادی در کشور هزاران زن از نعمت سواد بهره مند شدند و به پاس این خدمات دلسوزانه اعضای سازمان دموکراتیک زنان ، مفتخر به مدال

یونسکوگردید. ما زنان افغان امتیاز و افتخار آنرا به شهدای گلگون کفن خود که در جنبش سواد آموزی جان دادند و شیر دلانه پیش رفتند و نه هراسیدند، اهدا می نمایم.

سازمان زنان با ۱۸۰ سازمان های ملی، منطقوی و بین المللی بشمول فدراسیون بین المللی زنان مروده نزدیک داشت. سازمان دموکراتیک زنان افغانستان با تجربه ۴۶ ساله خود، در مبارزه به خاطر حقوق حقه زنان لحظه توقف ننموده بلکه نظر به شرایط زمان شیوه ها و عملکرد های متفاوتی را بکار گرفته است. همین اکنون شورا های زنان در داخل و خارج کشور مصروف فعالیت هستند. و در کنفرانس های جهانی و میتینگ های محلی اشتراک میورزند. هیت سازمان زنان همین اکنون مصروف آماده گی به کنفرانس جهانی زنان منعقد در ونزویلا است تا صدای زن افغان را ازین طریق به گوش جهانیان برسانند.

« این بود شمه از کار و فعالیت این سازمان نیرومند و مدافع حقوق زن در کشور،

در باره فعالیت های سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در آینده معلومات مفصل خدمت تان ارائه می گردد.»

در میزان سال ۱۹۹۲ میلادی، شب ظلمانی دیگری فرا رسید، طالبان داخل شهر کابل شدند، دروازه های علم و دانش را بروی دختران و زنان بستند. زنان بار دیگر زندانی منازل خود گردیدند و از تمام حقوق انسانی و مدنی محروم ساخته شدند طالبان، مؤسسه عالی نسوان و میرمنو تولنه را باهم مدغم نمودند و در عوض زنان، مردان را استخدام نمودند. خوشبختانه حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ سقوط کرد و زنان توانستند یک نفس تازه بگیرند و ظاهراً با ظلم و استبداد وداع گویند. وزارت امور زنان به اساس توافقات کنفرانس بن، در چوکات اداره مؤقت افغانستان ایجاد گردید و در قوس ۱۳۸۰ خورشیدی به حیث عضو قوه اجرائیه اداره مؤقت معرفی شد. کارمندان اناث و ذکور مؤسسه عالی نسوان و میرمنو تولنه مجدداً جذب و مقرر شدند. وزارت امور زنان در سال ۱۳۸۲ ستراتیژی خود را که متوجه امور خیریه بود، به یک ارگان پالیسی ساز مبدل کرد. « نگارنده: کار وزارت زنان محسوس نیست.»

طبق اطلاع دست داشته در شرایط کنونی در کشور، نهاد های چون: کمیته مشارکت سیاسی زنان افغانستان، شبکه زنان افغانستان، اتحادیه سراسری زنان افغانستان، کمپاین پنجاه در صد زنان افغانستان و... در داخل کشور برای بدست آوردن حقوق زنان فعالیت دارند. و از روز های ملی و بین المللی نیز تجلیل بعمل می آورند و اعمال زشت و غیر انسانی طالبان را در برابر زنان بیدفاع کشور، در طی گردهمائی های مشترک تقبیح می نمایند.

ما در حالیکه صدمین سالگرد هشت مارچ روز آزادی و همبستگی زنان جهان را به همه همکاران، دوستان و زنان مصیبت دیده افغانستان و جهان تبریک گفته عرض میداریم که از این فرخنده روز، در شرایطی در کشور ما تجلیل به عمل می آید که با وجود سازمان های فوق الذکر، وزارت امور زنان و حضور قریب به چهل کشور خارجی، بالای زنان ما در داخل کشور چه میگذرد؟؟؟

روز تا روز بر مشکلات زنان کشور ما افزوده می شود و زندگی زنان در نقاط مختلف کشور با چالش های جدی همراه با خطر مرگ مواجه است. خشونت علیه زنان در خانواده ها از جمله موضوعات فراگیر در زندگی زنان افغان به شمار میرود.

- حد اقل ۹/۴۶ در صد زنان به خشونت فیزیکی در خانواده های خود مواجه اند. از این جمله ۵.۱۲ فیصد زنانی که مورد خشونت های فیزیکی قرار داشته اند.

۶/۶ فیصد معلولیت دایمی ۲۲/۲ فیصد مجروح گردیده اند ۵۸/۷ فیصد زخم و کبودی داشته اند.

- ۷ در صد مادران که فرزند پسر بدنیا نیاورده اند. توسط شوهران شان مورد لت و کوب قرار گرفته اند.

- ۶۶/۲ فیصد زنان با انواع خشونت های لفظی در خانواده های شان مواجه اند

- ۴/۱۷ در صد والدین به این باور هستند که داشتن فرزند دختر در زندگی آنها اثر مثبت ندارد و مایه اندوه است.



- از مجموع زنانی که در آمد اقتصادی - مالی اند صرف ۹/۵ در صد شان قدرت تصمیم گیری مستقلانه در مورد مصرف در آمد شان را دارند. - حد اقل ۵۹ در صد ازدواج های بررسی شده ، ازدواج اجباری بوده که از آن جمله حد اقل ۳۰ در صد ازدواج ها به شکل بدل صورت گرفته است و بر علاوه ۷۰ در صد موارد زنان از حق داشتن مهر محروم گردیده اند.

- حد اقل ۳۸ در صد زنان در سنین بین ۱۱ الی ۱۵ سال ازدواج کرده اند.

- ۸۸ در صد زنان که در شرایط تعدد زوجات به سر میبرند از بی عدالتی شوهران شان در زمینه پرداخت نفقه، کم توجهی به کودکان و سایر موارد خبر میدهند.

- ۴۰/۶ در صد موارد بررسی شده دختران از رفتن به مکتب محروم بودند که ازین میان ۲۹/۴ در صد آنها عامل نرفتن شان را اقتصاد ضعیف عنوان کرده اند.

- ۷۱/۹ در صد زنان پس از ازدواج از ادامه تحصیل و کار محروم گردیده اند.

- ۳۱/۴ در صد از زنان برای درمان خود بخاطر نبود مراکز صحتی، فقر و دور بودن داکتر، دوا، ممانعت خانواده ها از رفتن پیش داکتر، از مواد مخدر استفاده میکنند - تعدادی زیادی از زنان سقط شان را کار های سنگین همچون آب آوردن از چشمه و چوب آوردن از کوه ۲۳/۶ در صد، لت و کوب ۱۱/۴ در صد و عدم دسترسی به تداوی ۳۷ در صد عنوان می کنند.

یافته های فوق که نشاندهنده نقص گسترده حقوق زنان میباشد از تحقیقاتی که در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال و کمیسیون مستقل حقوق بشر انجام یافته، بناء یافته است.

به باور آگاهان آمار خشونت علیه زنان در افغانستان افزون از آن است که مراجع فوق ارایه داشته است. زیرا بسیاری از خشونت ها علیه زنان در خارج از شهر ها ، در روستا ها صورت می گیرد و بنا به عرف و رسوم عقب مانده حاکم بر جامعه ، شکایت کردن قربانیان به مراجع عدلی عیب پنداشته

میشود ازین سبب بسا فجایع کتمان و بر آن پرده کشیده می شود. افزون بر آن در مواردی چون سنگسار زنان ، آتش سوزی زنان ، کشتن زنان توسط شوهران شان و تجاوز دسته جمعی بالای دختران زیر سن و بعضاً هم کشتن آنها توسط جنگ سالاران و زورمندان در راپور فوق تذکر بعمل نامده است.

خواهران عزیز و بانوان گرامی!

تجلیل نمودن از هشت مارچ با راه اندازی تظاهرات خیابانی،گردهمائی های وسیع ، میتینگ های پرشور همراه با کنسرت ها و اهدای تحایف، نمایشات مقطعی بوده، دردی زنان کشور ما را مداوا نمی کند.بیائید به مناسبت صدمین سالگروز همبستگی زنان یک بار دیگر پیمان رهایی زنان کشور عزیز مان را از زیر پاشنه های طالبان سیاه اندیش،مرد سالاران و جنگ سالاران تجدید نمایم و شیوه های کار و مبارزه خود را شکلی دیگری دهیم و راه های جدیدی را که مثمریت بیشتر داشته باشد جستجو کنیم. تا باشد که به آهسته گی و متانت به اهداف خود نایل آییم.

در سال که گذشت ما و شما چندین بار با شنیدن اخبار وحشتناکی، چون سنگسار زنان « در ولایات قندوز و هرات » ، ترور زنان ، انتحاری ، اختطاف و تجاوز « دختران زیر سن » و خود سوزی های زنان در ولایات هرات ، فراه و کاپیسا شوک دیدیم ،گریه کردیم و هفته ها با خواب های خود خدا حافظی نمودیم. زیرا این اعمال غیر انسانی بنیادگریان سیاه دل ، یک بار دیگر خاطرات تلخ و تکان دهنده حاکمیت طالبان را در اذهان ما زنده می ساخت.

بناءً برماست که همه زنان افغانستان صرفنظر از هر جناح و هر حزب و هر سازمان که هستیم،یک مشت فولادین شویم و با مقاومت خود صدای زنان ،ده و قریه ، صدای زنان بیسواد خانه ، صدای کودک تحت سن « ازدواج اجباری» و دهها بدبختی های زنان را برملا ساخته و با اتحاد خود به مراجع ذیربط مراجعه نموده و خواستار تغییر در حیات اجتماعی و خانواده گی زنان شویم. در صدمین سالروز هشتم مارچ روز آزادی زنان ، باید دست آوردی مثبت برای زنان جامعه خود داشته باشیم تا شعار های ما از حرف به عمل پیاده گردد.

"من فکر می کنم که همین سال ها بهترین چانس تغییر در وضعیت زنان است. زیرا قوای خارجی، حامی نسبی زنان به اصطلاح در کشور وجود دارد در غیر آن ، این پروسه سال ها دوام خواهد کرد."

نامه ها و قطعنامه های ما عنوانی محترم رییس جمهور ، پارلمان و قوه مقننه ارسال شود و از آنها خواسته شود که:

- منع هر گونه احکام عرفی ، سنتی در قبال زنان تحقق پذیرد.
- جلوگیری از اعدام های صحرائی و سنگسار زنان توسط طالبان.
- اعدام ملا امام که حکم سنگسار و اعدام را مرعی الاجرا قرار میدهد.
- حبس و مجازات به اشخاصیکه در مراسم سنگسار اشتراک می نمایند.
- مجازات شدید به متجاوزین دختران زیر سن و هم چنان ازدواج های اجباری
- عدم عفو رییس جمهور از مرتکبین خشونت و جنایت در برابر زنان افغان
- معرفی ناقضین حقوق زن به مراجع قانونی
- بر اساس آیه ۱۱۹ سوره نساء در قرآن که آمده است: نباید در مخلوقات خدا تغییر ایجاد کرد، به مردم تفهیم شود « منع گوش بریدن ، بینی بریدن ، انگشت بریدن ، سوختاندن زنان. »

- مجازات شدید به شوهر و اعضای خانواده ایکه، خود سوزی در آن صورت میگیرد.
- در سطح کشور باید توسط رهبران دولتی به ویژه توسط آقای رییس جمهور ، روحانیون ، متنفذین قومی ، مجالس قانون گذاری ، پارلمان و نهاد های مدنی و دولتی مربوط ، در جهت از میان بردن این وحشت، اقداماتی موثر صورت گیرد.

- اگر مامور ویا مدیر هستیم ، یاکارگر و کارفرما، و اگر هم شنونده و بیننده و یا متعلم و محصل در هر حرفه و پیشه که قرار داریم . تبلیغات ما در باره خشونت علیه زنان ادامه داشته باشد. ما باید

این طور تصور کنیم که با یک لحظه تنبلی ما ، جان یک خواهر رنج دیده ما به خطر مرگ مواجه بوده و مرگ حتمی او را به کام خود میبلعد.

- هموطن! تو چگونه قلب داری که خواهرت را با سنگ ها می کشی؟؟

- برادر! آیا قلب تو سنگی است؟؟

- علمای دین! شما سنگ اسلام به سینه میزنید چگونه میتوانید احکام تورات را عملی

سازید؟؟

منابع: یادداشت های شخصی نگارنده .

-- دوپره نانسی ، اندیشه های انقلابی و زنان افغان.

-- غبار ، میر غلام محمد ، افغانستان در مسیر تاریخ،جلد اول .

-- کاظم ، سید عبدالله ، زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد